

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۴

هزار و سیصد و نود و هفت - تابستان

- ۷ • مشروعیت سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه غیر بین المللی: تأملی در بحران یمن
دکتر آرامش شهبازی - پویا برلیان
- ۳۷ • تحلیل ابعاد حقوقی فناوری زیستی تراریخت از منظر امنیت غذایی
دکتر نجمه رزمخواه - دکتر بهاره حیدری
- ۵۵ • قابلیت انتساب ادله الکترونیک
دکتر ایرج بهزادی
- ۷۱ • جنگ اطلاعات از منظر اصل تفکیک رزمندگان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه
کیوان اقبالی
- ۱۱۱ • سوء استفاده از مصونیت ها و مزایای سازمان های بین المللی؛ به دنبال راهکاری برای مقابله با آن
سید علی حسینی آزاد - مسعود احسن نژاد
- ۱۴۱ • تبیین ابزارهای احراز شرط گام ابتکاری در اختراعات (فن یا صنعت قبلی، شخص با مهارت معمولی در دانش)
حامد نجفی - مهسا مدنی
- ۱۶۱ • رهیافت های مختلف حقوق و روابط بین الملل نسبت به مفهوم منافع ملی
حیدر پیری - پریسا دهقانی
- ۱۸۵ • صلاحیت سرزمینی دادگاه های ایران نسبت به جرایم ارتكابی در فضای سایبر
نجمه غفاری الهی کاشانی
- ۲۱۹ • نخستین رأی دیوان کیفری بین المللی: حقوق قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه میان یک دولت خارجی با گروه های غیردولتی
سمانه شعبانی
- ۲۴۱ • نقدی بر نهاد مشاوره در لایحه آیین دادرسی تجاری
دکتر کورش کاویانی - پرویز رحمتی - رضا خودکار
- ۲۶۱ • مقررات شورای اتحادیه اروپا، به شماره ۲۰۱۰/۱۲۵۹ مورخ ۲۰۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ راجع به ارتقای همکاری در زمینه قانون حاکم بر طلاق و تفریق قانونی (موسوم به مقررات رم ۳)
تحقیق و ترجمه: دکتر مهدی امینی - دکتر حسین کاویار





مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه غیر بین‌المللی: تأملی در بحران یمن

دکتر آرامش شهبازی* - پویا برلیان**

چکیده:

اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی سایر دولت‌ها که نتیجه مسلم اصل برابری دولت‌هاست، از جمله اصول مسلم حقوق بین‌الملل است که نه تنها در منشور ملل متحد، بلکه در روابط بین‌المللی میان دولت‌ها از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است. جایگاه تعیین‌کننده این اصل در روابط بین‌المللی میان دولت‌ها به گونه‌ای است که در موارد متعددی زمینه‌ای برای تبدیل وضعیت موجود به مخاصمه‌ای فعال را فراهم کرده و از همین روی نیز، واضعان منشور ملل متحد با تجارب سنگین جنگ‌های جهانی اول و دوم و با تکیه بر اصل «منع توسل به زور» کوشیدند تا دولت‌ها را از مداخله در امور یکدیگر بازدارند. هرچند، رویه فعلی دولت‌ها در صحنه بین‌المللی مؤید این واقعیت است که اصل عدم مداخله در موارد متعددی تابعی از مصالح و منافع ملی دولت‌ها در صحنه بین‌المللی شده و سنجش عیار مشروعیت و قانونمندی این اصل، متأثر از منافع دولت‌هاست. در این مقاله ضمن تحلیل اصل منع مداخله دولت‌ها در رویه اخیر بین‌المللی به تحلیل مداخله عربستان سعودی در یمن و مشروعیت‌سنجی آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها:

اصل عدم مداخله، مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی، عربستان سعودی، یمن، ائتلاف بین‌المللی.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۴ تابستان ۱۳۹۷
صفحه ۷-۱۶، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۸/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۸

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسؤول

Email: a.shahbazi@atu.ac.ir

** دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

Email: Pouya_1818@yahoo.com

مقدمه

حافظه تاریخی بشر همواره درصدد یافتن راهی برای محدود نمودن توسل به زور و به کارگیری نیروی نظامی در روابط بین‌المللی بوده است که پیامدی جز صلح پایدار و بادوام نخواهد داشت. جامعه بین‌المللی به منظور دستیابی به این هدف می‌بایست نسبت به دولت‌های متخلف بی‌تفاوت نبوده و واکنشی درخور و شایسته را ابراز دارد. از همین جهت است که منشور ملل متحد در مقدمه خود هدف از وضع و تدوین این منشور را تصمیم ملل متحد به محفوظ نگه‌داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ قلمداد نموده است.^۱

آغاز مداخله نظامی عربستان سعودی در آخرین روزهای ماه مارس ۲۰۱۵ میلادی در یمن سرآغاز چالشی مهم در روند امنیت و صلح بین‌المللی گردید. دعوت و درخواست رئیس‌جمهوری مستعفی یمن، منصور هادی، برای «حمایت از دولت قانونی او و سرکوب شورشگری‌های حوثی‌ها» مبنای توجیه مداخله فوق‌الذکر قرار گرفته است. قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد که متعرض مداخله نظامی عربستان سعودی نشده و تلویحاً بر آن صحنه گذارده است از منظر قانونیت و مشروعیت شایان توجه و بررسی می‌باشد. مداخله عربستان سعودی در این کشور ناقض حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از مهم‌ترین حقوق ملت یمن می‌باشد. مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن که در تاریخ پنجم فروردین ماه ۱۳۹۴ هجری شمسی برابر با بیست و پنجم مارس ۲۰۱۵ میلادی آغاز گردید، امروز به عنوان چالشی مهم فراروی جامعه بین‌المللی است. ادعای عربستان سعودی برای مداخله نظامی در یمن مبنی بر دعوت رئیس‌جمهوری یمن، منصور هادی، «برای حمایت از این کشور و ملت آن در برابر شورش حوثی‌ها» قرار گرفته است. از آنجا که هدف اصلی این مقاله

۱. در مقدمه منشور ملل متحد چنین آمده است:

ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی، افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر و برای نیل به این هدف‌ها به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با یک روحیه حسن هم‌جواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی و به قبول اصول و ایجاد روش‌هایی که عدم استفاده از نیروهای مسلح را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و به توسل به وسایل و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم.

بررسی ابعاد قانونیت و مشروعیت مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن و همچنین واکاوی واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به این قضیه می‌باشد، مقاله حاضر در دو بخش تنظیم می‌گردد. در بخش نخست به بررسی روند قانونی بودن مداخله نظامی در یمن در آیین اسناد و رویه بین‌المللی خواهیم پرداخت و بخش دوم را نیز به واکاوی مشروعیت این مداخله اختصاص خواهیم داد.

۱- واقعیات قضیه

مجموعه شورش‌هایی که به عنوان بهار عربی شناخته می‌شوند در هفته‌های آخر سال ۲۰۱۰ در تونس^۲ شروع شد و در عرض شش ماه تغییرات وسیعی را در منطقه رقم زد. این جریان توانست منجر به سقوط دولت‌های تونس، مصر، لیبی و یمن گردد و همچنین بی‌ثباتی در کشورهای نظیر بحرین و سوریه را رقم زند.

سیاست‌گذاران و ناظران بین‌المللی از این رخدادها و نتایج آن (سقوط بن‌علی در تونس، مبارک در مصر و قذافی در لیبی) حیرت‌زده شدند. اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی علیه رئیس‌جمهور وقت یمن، علی عبدالله صالح، نیز از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، آغاز گردید^۳ و در ۳ فوریه (نامبردار به روز خشم و عصیان) به اوج خود رسید. در ۱۸ مارس (که جمعه خونین نام گرفت) ۵۰ کشته و ۲۴۰ مجروح برجای ماند و بازتاب وسیعی در رسانه‌های گروهی و بین‌المللی یافت.^۴ حوادث خون‌بار یمن، منجر به استعفای نمایندگان پارلمان این کشور و اعتراض یکپارچه علمای دین و زنان یمنی (که حضوری بسیار کم‌رنگ در جامعه یمن دارند) و بسیاری از مقامات حکومت یمن گردید.^۵ در نهایت، متعاقب اتفاقات مذکور، علی عبدالله صالح در ژانویه ۲۰۱۲ صناعاً برای اهداف پزشکی به مقصد ایالات متحده آمریکا ترک گفت.

2. Scott Peterson "Egypt's Revolution Redefines What's Possible in the Arab World," *The Christian Science Monitor*, last modified February 11, 2011, Last Visited May 5, 2017, <https://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2011/0211/Egypt-s-revolution-redefines-what-s-possible-in-the-Arab-world>.

3. "Yemeni Government Supporters Attack Protesters, Injuring Hundreds," *The Washington Post*, March 16, 2011, Last Visited May 5, 2017, https://www.washingtonpost.com/world/yemeni-government-supporters-attack-protesters-injuring-hundreds/2011/03/16/AB56R9g_story.html.

4. Mohammed Ghobari, and Khaled Abdullah, "Yemenis Square off in Rival 'Day of Rage' Protests," *Reuters*, February 3, 2011, Last Visited May 5, 2017, <https://www.reuters.com/article/idINIndia-54628720110203>.

5. "Yemen Death Toll: Over 2,000 Killed" *The Washington Post*, 19 March 2012, Last Visited May 5, 2017, https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/yemen-says-more-than-2000-killed-in-uprising/2012/03/18/gIQAG0tcLS_story.html.

در فوریه ۲۰۱۲ عبدربه منصور هادی در روندی که با مسامحه، انتخابات نام گرفت،^۶ (و در واقع «توافق طوایف» بود و نه انتخابات) به عنوان رئیس‌جمهور یمن در مرحله انتقالی برگزیده شد؛ لیکن منازعات و اختلافات سیاسی ادامه یافت و طوایف این کشور (چه اهل تسنن و چه شیعیان موسوم به حوثی‌ها)^۷ با منصور هادی دچار چالش جدی گردیدند. این چالش‌ها از یک سو ریشه در اختلافات قومی و طایفه‌ای یمنیان دارد و از سوی دیگر یادآور گذشته‌ای است که یمن کنونی در قالب دو کشور یمن شمالی و جنوبی بود. انقلابیون این کشور در قالب مجموعه‌ای به نام انصارالله فعالیت‌های خود را تنظیم نمودند.^۸

انصارالله صرفاً متشکل از شیعیان این کشور نبود و نیست.^۹ بسیاری از طوایف اهل سنت نیز به دلیل اتخاذ رویکردهای انقلابی، فعالیت‌های سیاسی خود را ذیل این مجموعه تعریف نموده و جهت می‌بخشند. منصور هادی (که به عنوان رئیس دولت انتقالی برای دوره‌ای دوساله به این منصب برگزیده شده بود) تمایلی به تغییر ساختارهای مستبدانه نظام سابق نداشت^{۱۰} و این امری بود که نگرانی‌های فراوانی را در میان نیروهای سیاسی تحول‌خواه پدید آورد. لذا جنبش انصارالله با مرکزیت خاندان الحوثی (به عنوان یکی از خاندان‌های بزرگ و محبوب طوایف و قبایل مختلف یمنی) تحرکات سیاسی منصور هادی را برنتابیده و اعتراضات مدنی را بار دیگر و این بار علیه سیاست‌های رئیس دولت انتقالی سامان داد. در ادامه توضیحات مختصری پیرامون نقش‌آفرینی مهم شیعیان یمن و به ویژه خاندان الحوثی داده می‌شود.

شیعیان یمن که عمدتاً زیدی‌مذهب (شیعیان چهارامامی) می‌باشند، تاریخی پر حادثه در سرزمین یمن دارند.^{۱۱} شیعیان حدود ۳۵ درصد جمعیت ۲۵ میلیونی یمن را تشکیل می‌دهند.

۶. گزارش بی‌بی‌سی عربی، «جمال بن عمر مبعوث الأمم المتحدة بلوح باحتمال معاقبة معرقلى الحوار الوطنى فى اليمن»، بی‌بی‌سی العربیه، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۳.

Last Visited May 5, 2017,

http://www.bbc.com/arabic/middleeast/2013/11/131116_yemen_binomar_remarks.

۷. بوعلام غبشی «من هم الحوثيون وما هي مطالبهم»، ۲ سپتامبر ۲۰۱۴.

Last Visited May 5, 2017, <http://www.france24.com/ar/2014/09/02/>.

۸. همان.

۹. نک سایت حرکت سیاسی انصارالله:

Last Visited May 5, 2017, <http://www.ansar-allah.net/articles/11265>.

۱۰. بوعلام غبشی «من هم الحوثيون وما هي مطالبهم»، ۲ سپتامبر ۲۰۱۴.

Last Visited May 5, 2017, <http://www.france24.com/ar/2014/09/02/>.

۱۱. مصطفی فضائلی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دوره

۴۶، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۵)، ۴۴.

حسین الحوثی اولین رهبر این گروه بود که در سال ۲۰۰۴ میلادی در درگیری با نیروهای ارتش یمن کشته شد.^{۱۲} او فرزند عالم پرآوازه زیدی‌مذهب بدرالدین الحوثی بود و به سبب آنکه حکومت یمن را وابسته به بیگانه (ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی) می‌دانست از اواخر دهه ۹۰ میلادی مبارزه و پیکاری سخت را علیه حکومت یمن آغاز نمود.^{۱۳} رویکرد مثبتی که در قبال طوایف یمنی اعم از شیعه و سنی اتخاذ نمود او و این خانواده را محبوب و مورد اعتماد مردمان این سرزمین قرار داد.^{۱۴}

رهبری این گروه بعد از حسین به پدرش، بدرالدین، و بعد از وی یعنی از سال ۲۰۰۶ به برادرش، عبدالملک، رسید. ارتش یمن در طول این سال‌ها، شش بار برای نابودی این گروه، به صعده که مرکز اصلی آنان می‌باشد، حمله کرد.^{۱۵} در جریان این سرکوب عربستان سعودی بخشی از نیروهای نظامی خود را در اختیار دولت یمن قرار داد.^{۱۶} لیکن در نابودی این جنبش معترض ناکام ماندند.

در ادامه بی‌توجهی به مطالبات یمنیان و استمرار اعتراضات آنان منصور هادی و دولت او در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ استعفای خود را اعلام نمودند؛ لیکن در ۲۱ فوریه در اقدامی پرسش‌انگیز استعفای خود را باز پس گرفته^{۱۷} و از صنعا به عدن در جنوب یمن و سپس به عربستان سعودی گریخت و از دولت‌های عربی درخواست نمود تا برای برکناری شورشیان در یمن مداخله نظامی نموده، او را در این مصاف یاری نمایند.^{۱۸}

در ۲۶ مارس ائتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی حملات هوایی را در حمایت از دولت هادی و با ادعای پیکار علیه کودتاچیان تحت عنوان عملیات طوفان

۱۲. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: رسول جعفریان، *اطلس شیعه* (تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹)، فصل ششم.

۱۳. فضائی، پیشین، ۴۴.

۱۴. نک.

Last Visited May 5, 2017, <http://www.ansar-allah.net/articles/11265>.

15. Sarah Phillips, *Yemen's Democracy Experiment in Regional Perspective: Patronage and Pluralized Authoritarianism* (London: Palgrave Macmillan, 2008), 74-75.

۱۶. رضا التیامی‌نیا، علی باقری دولت‌آبادی و جاسب نیکفر، «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست* ۱۸ (پاییز ۱۳۹۵)، ۱۸۱.

۱۷. گزارش سی.ان.ان. عربی، «الیمن .. عبدربه منصور هادی، یسحب استقالته من رئاسة الجمهورية بعد فراه من الاعتقال المنزلی بصنعا»، *الشرق الاوسط*، ۲۲ فوریه ۲۰۱۵.

Last Visited May 5, 2017, <https://arabic.cnn.com/middleeast/2015/02/21/yemens-hadi-flees-capital-plans-withdraw-resignation>, 22 FEBRUARY 2015.

۱۸. همان.

قاطعیت آغاز کردند.^{۱۹} پس از ۲۷ روز، در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۱۵ عملیات مذکور با اعلام آتش‌بس از سوی عربستان سعودی خاتمه یافت و در ادامه، از تاریخ ۲۲ آوریل ۲۰۱۵ میلادی عملیات نظامی جدیدی ذیل عنوان «احیای امید» آغاز نمود که تاکنون نیز ادامه دارد.^{۲۰} روند فاجعه‌بار جنگ در یمن رو به افزایش است. بر اساس اعلام صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف^{۲۱}) تنها در یک ماه نخست نبرد، دست‌کم ۱۱۵ کودک کشته و ۱۷۲ کودک نیز صدمه دیده و مجروح شده‌اند.

با گذشت تقریباً پنج ماه از جنگ، گزارش‌هایی مبنی بر کشته و زخمی شدن بیش از ۱۳ هزار و ۵۵۲ تن منتشر شده است.^{۲۲} در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۶ به دنبال بمباران هوایی دست‌کم ۱۵۵ تن کشته و ۵۲۵ تن نیز زخمی گردیدند^{۲۳} که خود به تنهایی نشانگر ابعاد فاجعه‌بار روند مذکور است. در واکنش به این رویداد، سازمان دیدبان حقوق بشر این حمله را جنایت جنگی قلمداد نمود.^{۲۴}

۲- قانونمندی مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن در پرتو اسناد بین‌المللی

۲-۱- مفهوم و قلمرو مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی

مخاصمات مسلحانه هم در عرصه بین‌المللی، یعنی در میان دولت‌ها و نیز درون مرزهای سرزمینی یک دولت رخ می‌دهد.^{۲۵} ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و

۱۹. گزارش روزنامه الشرق الاوسط، «عاصفة الحزم، القصف علی صنعاء»، الشرق الاوسط، ۲۷ مارس ۲۰۱۵.

Last Visited May 5, 2017, <https://arabic.rt.com/news/778217>, 2015, 03, 26.

20. "Saudi-led Coalition Ends Military Operation in Yemen," *The Daily Telegraph*, April 21, 2015, Last Visited May 5, 2017, <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/yemen/11553615/Saudi-led-coalition-ends-military-operation-in-Yemen.html>, Ahmed Al-Haj "Aden Hit by Coalition Airstrikes Amid Fierce Street Battles," April 25, 2015, Last Visited May 5, 2017, <https://www.apnews.com/fdedc2694b0242cda79e579ce84a42e8>.

21. United Nations Children's Fund: UNICEF.

۲۲. «شهید شدن ۱۶۹۸ کودک از ابتدای تجاوز وحشیانه رژیم آل سعود به یمن»، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۲۹ شهریور ۱۳۹۴، <http://www.irna.ir/fa/News/81765762>.

۲۳. همان.

24. "Yemen: Saudi-Led Funeral Attack Apparent War Crime," Human Rights Watch, October 13, 2016, Last Visited May 5, 2017, <https://www.hrw.org/news/2016/10/13/yemen-saudi-led-funeral-attack-apparent-war-crime>

۲۵. محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق جنگ (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳)، ۴۶ و نیز نک:

پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی پرداخته‌اند.^{۲۶}

تعریف ماده ۳ مذکور از مخاصمه غیربین‌المللی بدین صورت است که «چنین مخاصماتی ویژگی بین‌المللی را نداشته و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های مسلح غیربین‌المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و گروه‌های مسلح مخالف بایستی این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور عبارت از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان‌یافته و دارا بودن یک فرمانده مسؤل و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور می‌باشد.»^{۲۷}

لذا می‌توان اذعان نمود که مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مخاصماتی هستند که در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومت و گروه‌های مسلح مخالف و یا بین خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف رخ می‌دهند.^{۲۸} البته دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ نیز تعریفی از مخاصمه غیربین‌المللی ارائه نمود با تأکید بر «طولانی بودن» مخاصمه مسلحانه میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا میان خود این گروه‌ها که در نوع خویش قابل توجه است.^{۲۹} تشنجات داخلی که پراکندگی و عدم سازمان‌یافتگی خصوصیت بارز آنان است از شمول تعریف مخاصمات غیربین‌المللی خارج هستند. این موارد همچون تظاهرات بدون هرگونه هماهنگی، پراکنده و اقدامات اغتشاش‌گونه فردی که علیه نیروهای مسلح دولتی انجام می‌گیرند و ... می‌باشند.^{۳۰}

D. Schindler, *The Different Types of Armed Conflicts According to the Geneva Conventions and Protocols* (Boston: RCADI, 1979-II), Vol. 163, 147.

۲۶. ضیائی بیگدلی، حقوق جنگ، پیشین، ۸۲.

۲۷. جمشید ممتاز و حسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی* (تهران: میزان، ۱۳۸۹)، ۸۵؛ ستار عزیزی، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو» رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، پژوهش حقوق عمومی ۳۳ (۱۳۹۰)، ۱۶۹.

۲۸. عزیزی، پیشین، ۱۶۹، ضیائی بیگدلی، حقوق جنگ، پیشین، ۸۲، ۴۶؛ نیز نک:

Rebecca M.M. Wallace, *International Law* (London: Sweet & Maxwell, 2005), 285.

۲۹. عزیزی، پیشین، ۱۷۰ و نیز نک: جمشید ممتاز و حسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق*

مخاصمات مسلحانه داخلی، پیشین، ۸۹.

۳۰. عزیزی، پیشین، ۱۷۰، نیز نک:

“Treaties, States Parties and Commentaries,” ICRC Commentary, Last Visited May 5, 2017, <http://www.icrc.org/ihl.nsf/com/475-760004?OpenDocument>, No.4451.

“Treaties, States Parties and Commentaries,” ICRC Commentary, Last Visited April 21, 2017, <http://www.icrc.org/ihl.nsf/com/475-760004?OpenDocument>, No. 4451, 4476.

۲-۲- مفهوم مداخله در امور داخلی دولت‌ها

واژه مداخله واژه‌ای بحث‌برانگیز و پرچالش بوده و لذا امکان ارائه تعریفی جامع از آن میسر نگشته است.^{۳۱} با این حال به نظر می‌رسد مداخله دربردارنده اعمال فشار و به کارگیری زور علیه دولت و کشوری یا توسل به وسایل فشار اقتصادی و سیاسی است که دیوان بین‌المللی دادگستری از آن با عنوان اجبار یاد نموده است.^{۳۲}

در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز می‌توان محدوده‌ای را برای مداخله تعیین نمود (قطعنامه‌های ۲۶۲۵ و ۲۱۳۱): «هرگونه دخالت علیه دولت یا اجزای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن همچون مداخله نظامی و ... به منظور اجبار آن دولت برای کسب هر نوع امتیاز و همچنین اقداماتی که به منظور سازمان‌دهی و تأمین مالی و تحریک و یاری‌دهی اقدامات مخرب و تروریستی و نظامی با هدف براندازی مسلحانه حکومت یک کشور و هر نوع دخالت در مخاصمات داخلی کشور دیگر مداخله محسوب می‌گردد».^{۳۳}

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه ضمن تأکید بر اینکه احترام به حاکمیت سرزمینی و ممنوعیت استفاده از زور و عدم مداخله به هم مربوط هستند، توصیف خویش از اصل عدم مداخله را چنین ارائه نمود:

«اصل عدم مداخله همه دولت‌ها را از مداخله (مستقیم و غیرمستقیم) در امور داخلی یا خارجی دیگر دولت‌ها منع می‌نماید. این ممنوعیت نسبت به آنچه که هر دولت با توجه به اصل حاکمیت اراده اجازه دارد که درباره آن آزادانه تصمیم بگیرد (همچون انتخاب سیستم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاست بین‌المللی و خارجی) لحاظ می‌گردد. مداخله هنگامی غیرقانونی است که توأم با اجبار باشد».^{۳۴}

۳۱. محمد شفیعی، «بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشردوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی ۲۰ (۱۳۷۵)، ۴۱۴؛ عزیزی، پیشین، ۱۷۸-۱۷۷.

۳۲. سید حسین صفایی، «مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی ۹ (۱۳۶۷)، ۱۰.

۳۳. عزیزی، پیشین، ۱۷۹؛ بدالله عسگری، مسؤولیت حمایت (تهران: بنیاد حقوقی میزان ۱۳۹۶)، ۲۷۱ و نیز نک:

“Resolution A/RES/2131(XX) and A/RES/2625 (XXV),” UN Documents Gathering a body of global agreements, Last Visited May 5, 2017, <http://www.un-documents.net/a25r2625.htm>. Wallace, op.cit., 285.

۳۴. محمدرضا ضیائی بیگدلی و همکاران، آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲)، جلد اول، ۴۹۷.

دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین اشعار می‌دارد: «هر دولتی می‌تواند از کشورهای خارجی درخواست یاری و کمک نماید؛ لیکن دول ثالث نمی‌توانند از نیروهای مخالف برای سرنگونی حکومت حمایت کنند. در حقوق بین‌الملل معاصر مداخله جهت حمایت از نیروهای مخالف دولت دیگر وجود ندارد.»^{۳۵} لذا «دعوت از مداخله خارجی» بدین معنا قابل تصور است که دولت مرکزی در مصاف با شورشیان حاضر در کشور خود می‌تواند از دولت‌های دیگر دعوت نماید تا با مداخله نظامی در کشورش، شورشیان را سرکوب نمایند. هرچند «توسل به زور» جز در مورد دفاع مشروع و ترتیبات مقرر در فصل هفتم منشور ملل متحد، نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد اما از آنجا که توسل به زور در قالب مفهوم دعوت از مداخله خارجی در چارچوب «دعوت» انجام شده از سوی «دولت قانونی» انجام می‌شود، نقض قاعده آمره «ممنوعیت توسل به زور» به شمار نمی‌آید. به عبارت دیگر مفاهیم دعوت و رضایت توأمان با یکدیگر می‌گردند.^{۳۶}

آشکار است که رضایت دولت دعوت‌گر نیز به طریق اولی شرط می‌باشد. مثلاً در بحران کویت دولت بعثی عراق، تجاوز به کویت را به بهانه حفظ نظم توجیه کرده و مدعی گردید که ارتش عراق به درخواست حکومت موقت آزاد کویت (که پس از اشغال کویت هم تشکیل شده بود!) و به منظور یاری رساندن به آن دولت جهت تثبیت امنیت و نظم مداخله نموده تا محنت کویتی‌ها پایان یافته و آرامش به منطقه بازگردد. این ادعای شرم‌آور به اتفاق آراء از سوی شورای امنیت در قطعنامه ۶۶۰ (۱۹۹۰) رد شد و شورا تجاوز عراق را محکوم نمود و خواستار خروج بی‌قیدوشرط نیروهای عراقی گردید. به هر روی، بنابر رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری و عملکرد سازمان ملل متحد، مداخله با دعوت دولت قانونی و رضایت آن قابل قبول بوده و مشروعیت خواهد یافت؛ لیکن اگر قانونی بودن دولتی که دعوت بنا به رضایت آن صورت یافته مورد تردید واقع شود ابهامی جدی بر وقایع سایه خواهد افکند و بحران مشروعیت را پدیدار می‌سازد.^{۳۷}

به عنوان مثال، در سال ۱۹۸۳ ایالات متحده مدعی بود که به دعوت رئیس دولت گرانادا در آن سرزمین مداخله کرده است اما بسیاری از صاحب‌نظران بر این باور بودند که وی حق

۳۵. همان، ۴۹۸.

۳۶. عزیز، پیشین، ۱۷۵، فضائی، پیشین، ۵۸.

37. Lan Brownli, *International Law and the Use of Force by States* (London: Clarendon Press, 1981), 317 and see: Sandesh Sivakumaran, *The Law of Non-International Armed Conflict* (London: Oxford University Press, 2012), 224.

چنین دعوتی را نداشته و اساساً او نماینده دولت محسوب نمی‌شده است. در سال ۱۹۶۵ و در مداخله دولت آمریکا در جمهوری دومینیکن نیز ادعاهای مشابهی مطرح شده بود.^{۳۸}

با نگاهی به بحران یمن، ابهامات گوناگونی درباره وضعیت منصور هادی، مطرح می‌شود.^{۳۹} نفس استعفای رئیس‌جمهور می‌تواند پذیرش ادعای مشروعیت دعوت به مداخله را با تردید و ابهام جدی مواجه سازد. وجود دولتی دیگر (بعد از استعفای منصور هادی) در سرزمین مزبور که عملاً کنترل مؤثر سرزمین را در اختیار دارد، موجب فزونی ابهامات خواهد شد.^{۴۰} در واقع نمی‌توان به صرف دعوت مقامی که پیش از این رئیس‌جمهور بوده است و اکنون در کشور دیگری روزگار می‌گذراند و بدون وجود قرائن و شواهد دیگر این دعوت را مشروع قلمداد نمود.

۲-۳- حدود و ثغور مداخله در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به روند قانونمندی مداخله دولت خارجی وجود دارد. در واقع نوعی تفکیک میان مخاصمه داخلی و تشنجات و تنش‌های داخلی دیده می‌شود. رویه حقوق بین‌الملل (کلاسیک و معاصر) نسبت به مداخله خارجی در تنش‌های داخلی (که پیشتر گفته شد این نوع از تشنجات در شمول مخاصمه قرار نمی‌گیرند) یکسان بوده و اجماع نظر در پذیرش آن دیده می‌شود.^{۴۱} لیکن تفاوت نگاه میان تدوین‌کنندگان قطعنامه ۱۹۷۵ انستیتو حقوق بین‌الملل و همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد امکان مداخله دولت خارجی در «مخاصمات غیربین‌المللی» امری است که نیاز به بررسی و تحلیل دارد.

ماده ۲ قطعنامه انستیتو حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۵، مداخله نظامی در «مخاصمه مسلحانه داخلی» را به درخواست هر طرف که باشد (دولت مرکزی یا شورشیان) مطلقاً ممنوع اعلام نمود. البته وفق ماده ۳ قطعنامه مذکور اعطای کمک‌های بشردوستانه از ممنوعیت

۳۸. محمدتقی رضایی و همکاران، «مبانی حقوقی مداخله در کشور سوریه در چهارچوب دکترین‌های نو، نظریه مسؤولیت حمایت»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن ۱۵ (۱۳۹۴)، ۲۰۵؛ نیز نک:

Bob Woodward, *The Secret Wars of the CIA 1981-1987* (London: Buccaneer Books, 1994), 251.
39. Khaled Abdallah, and Sami Aboudi, "Yemeni Leader Hadi Leaves Country as Saudi Arabia Keeps up Air Strikes," *Reuters*, March 26, 2015, last visited May 5, 2017, <https://uk.reuters.com/article/uk-yemen-security/yemeni-leader-hadi-leaves-country-as-saudi-arabia-keeps-up-air-strikes-idUKKBNOML0YM20150326>.

40. Ibid.

و نیز رک: فضائی، پیشین، ۴۷.

41. "The Draft Report of the 10th Commission, Present Problems of the Use of Force in International Law," *Institute of International Law*, Last Visited May 5, 2017, <http://www.justitiaetpace.org/idiF/annuaireF/2007/Reisman.pdf>.

پیش‌گفته مستثنا گردیده است.^{۴۲} برخی از حقوقدانان نیز همسو با این دیدگاه از ممنوعیت مداخله دولت خارجی در مخاصمه داخلی سخن گفته‌اند.^{۴۳} پیروان این دیدگاه ممنوعیت مداخله در مخاصمه داخلی را بر اساس آنکه ممکن است دخالت هر دولت خارجی در چنین وضعیتی سطح منازعه را به مخاصمه‌ای بین‌المللی ارتقاء دهد، توجیه نموده‌اند. لذا نوعی موازنه و برابری منفی نسبت به سایر دولت‌ها در قبال دولتی که دچار مخاصمه داخلی است، برقرار می‌شود.^{۴۴} و دولت‌ها نمی‌بایست به نفع هیچ‌یک از طرفین درگیر در مخاصمه داخلی، مداخله نمایند. زیرا هرگونه مداخله خارجی موجب نادیده انگاشتن حق تعیین سرنوشت گروه‌های انسانی خواهد شد.^{۴۵}

البته این برابری و موازنه منفی مورد انتقاد نیز واقع شده است زیرا به مشروعیت یا عدم مشروعیت دموکراتیک طرفین درگیر در مخاصمه توجهی ندارد^{۴۶} و صرفاً به درگیر بودن طرفین در مخاصمه داخلی اشاره دارد. انتقاد دیگر اینکه چنین موازنه‌ای در عمل منتهی به حمایت ضمنی و عملی از طرف قوی‌تر خواهد شد. زیرا عدم حمایت از هر دو طرف مخاصمه عملاً به تقویت طرف قوی‌تر منجر خواهد گردید و لذا جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش ملی از این جهت دچار زیان و صدمه خواهند شد. صرف‌نظر از دیدگاه فوق، مفاد قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) و نیز رویه دیوان بین‌المللی دادگستری مغایر رویکرد و دیدگاه انستیتو حقوق بین‌الملل می‌باشد و دولت را از حق دعوت دول خارجی برخوردار دانسته و این نوع مداخله مسبوق به دعوت حکومت مستقر را قانونی و مشروع قلمداد می‌نماید. در ادامه رویکرد متفاوت حقوق بین‌الملل معاصر را بررسی می‌نماییم.

با نگاهی به ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی ملل متحد مربوط به تعریف تجاوز (۱۹۷۴): «... استفاده یک کشور از نیروهای مسلح خود در قلمرو کشور هم‌پیمان به گونه‌ای

۴۲. عزیززی، پیشین، ۱۷۲.

43. Christine Gray, *International Law and Use of Force* (London: Oxford University Press, 2007), Third Ed., 81.

44. David Wippman, *Pro-Democratic Intervention by Invitation* (London: Cambridge University Press, 2000), 293.

۴۵. عزیززی، پیشین، ۱۷۳؛ دیتر فلک، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، با اهتمام و ویرایش سید قاسم

زمانی و نادر ساعد (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۵)، ۶۴۶.

Marc Weller, *The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law* (London: Oxford University Press, 2015), 827.

46. Wippman, op.cit., 298.

که «ناقص پیمان» میان دو کشور باشد و ادامه حضور نیروهای مسلح یک کشور در سرزمین کشور دیگر «پس از انقضای مدت پیمان مذکور»...^{۴۷} درمی‌یابیم که حضور نیروهای خارجی در سرزمین یک دولت اگر با اجازه و رضایت دولت میزبان باشد، منعی نخواهد داشت. شورای امنیت نیز در مقدمه قطعنامه ۲۸۷ (۱۹۷۶) پیرامون محکومیت تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا به «امکان درخواست کمک هر دولت (در نتیجه اعمال حاکمیت خویش) از دولت یا گروهی از دولت‌ها به مثابه حق ذاتی و مشروع خود» اشاره دارد.^{۴۸}

همچنین رویه دیوان بین‌المللی دادگستری (و نیز رویه عملی دولت‌ها)، حکایت از پذیرش و مشروعیت دعوت از مداخله خارجی از سوی دولت مرکزی و قانونی در سرکوب شورشیان دارد. دیوان در دو نوبت بر این معنا تأکید نموده است. پیشتر نیز اشاره رفت که دیوان در رأی پرونده «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه» (۱۹۸۶) اذعان نمود: «هر دولت می‌تواند از کشورهای خارجی درخواست یاری و کمک نماید».^{۴۹}

چنین به نظر می‌رسد که قطعنامه ۱۹۷۵ انستیتو حقوق بین‌الملل بیشتر درصدد ممنوعیت مداخله‌ای است که وخامت فزون‌تر اوضاع را سبب گردد. لذا همان‌گونه که اشاره شد در ماده ۳ قطعنامه تأکید می‌شود که اگر مداخله خارجی محدود به کمک‌رسانی بشردوستانه باشد و صرفاً در چارچوب کمک‌رسانی اقتصادی و فنی صورت گیرد در شمول ممنوعیت واقع نمی‌گردد.

رویه عملی دولت‌ها نیز دربردارنده موارد متعددی از مداخلات برای سرکوب مخاصمات داخلی دیگر دولت‌ها می‌باشد که توأم با دعوت حکومت قانونی و مرکزی آن دولت بوده است.^{۵۰} لذا مداخله دولت خارجی اگر مسبوق به دعوت دولت قانونی باشد مشروع بوده و اگر به دعوت نیروهای شورشی و مخالف انجام یابد، قابل قبول نیست.^{۵۱} حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به مواضع تروریسم داعش در عراق و حضور نظامی روسیه در سوریه برای سرکوب شورشیان و تروریسم نیز مواردی از مداخله دولت خارجی و مشروعیت دعوت از

۴۷. ضیائی بیگدلی، حقوق جنگ، پیشین، ۳۲.

48. "United Nations", Last Visited May 5, 2017, www.un.org/Docs/scres/1976/scres387.

۴۹. محمدرضا ضیائی بیگدلی و همکاران، آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، پیشین، ۴۹۸.

۵۰. ممتاز و رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی، پیشین، ۱۱۱.

51. Bruno Simma, *The Charter of The UN: A Commentary* (London: Oxford University Press 1995), 117.

سوی دولت قانونی در سرکوب شورشیان می‌باشد. البته عملاً دولت‌ها در مورد توصیف وقایع از جمله «اعتبار دعوت صورت‌گرفته» و «مرجع صدور دعوت» اختلاف نظر دارند.^{۵۲}

پس از پیروزی انقلاب یمن و برگزیدن منصور هادی به ریاست دولت انتقالی (۲۰۱۲) نیروهای سیاسی و طوایف مطالبات ملی خویش را مطرح نمودند. لیکن گذر زمان نشان داد که منصور هادی تمایلی به ایجاد نهادها و ساختارهای دموکراتیک نداشته و بر ادامه سیستم استبدادی پیشین اصرار می‌ورزد.^{۵۳} در ژانویه ۲۰۱۵ به دنبال اوج گرفتن اختلافات داخلی منصور هادی استعفاء نمود و زمینه حضور نیروهای سیاسی تحول‌خواه ذیل مجموعه انصارالله^{۵۴} در قدرت فراهم گشت؛ لیکن با گذشت یک ماه منصور هادی با بازپس‌گیری استعفاءی خویش و سکنا گزیدن در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، از این کشور و دیگر ممالک عربی درخواست یاری و دعوت به مداخله در یمن به منظور مبارزه و پیکار با «کودتاچیان» و کنار زدن حوثی‌ها از قدرت نمود.^{۵۵} منصور هادی در حالی بر تشنجات فرقه‌ای میان شیعه و سنی تأکید و اصرار می‌ورزید که تحولات یمن خلاف این ادعا را ثابت می‌نمود. طوایف سنی و شیعه ادامه نظام استبدادی را بر نمی‌تابیدند و خواهان تحولات گسترده‌ای^{۵۶} در سیستم سیاسی و نظامی کشور بودند. تحولاتی که لازمه آن تغییر قانون اساسی و پدیداری نهادهای دموکراتیک و مشارکت تمامی طوایف در ساختار سیاسی کشور بود.

استعفاء و گریز رئیس دولت انتقالی این سؤال را مطرح می‌سازد که دعوت به مداخله دولت‌های خارجی از سوی او چه وضعیت حقوقی دارد و آیا می‌تواند مصداقی از مصداق

52. Ibid, 118.

۵۳. گزارش بی‌بی‌سی عربی، «جمال بن عمر مبعوث الأمم المتحدة يلوح باحتمال معاقبة معرقلی الحوار الوطنی فی الیمن»، بی‌بی‌سی العربیه، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۳

Last Visited May 5, 2017,

http://www.bbc.com/arabic/middleeast/2013/11/131116_yemen_binomar_remarks.

۵۴. زید الفرسی، «لماذا انقلاب؟» صحیفه الحقیقه، ۱۱/۱۲/۲۰۱۳. نک:

Last Visited May 5, 2017, <http://www.ansar-allah.net/articles/7719>.

۵۵. گزارش روزنامه الشرق الاوسط، «الیمن .. عبدربه منصور هادی یسحب استقالته من رئاسة الجمهوریه بعد

فراهه من الاعتقال المنزلی بصنعاء»، الشرق الاوسط، ۲۲ فوریه ۲۰۱۵،

Last Visited May 5, 2017, <https://arabic.cnn.com/middleeast/2015/02/21/yemens-hadi-flees-capital-plans-withdraw-resignation,22 February 2015>.

56. Noah Browning, "Yemen Houthi Forces Gain First Foothold on Arabian Sea -Residents," *Reuters*, March 26, 2015 Last Visited May 5, 2017, <https://www.reuters.com/article/us-yemen-security-truce/houthi-accept-five-day-truce-in-yemen-proposed-by-saudi-arabia-idUSKBN0NV03520150511?virtualBrandChannel=11563>.

دعوت به مداخله توسط «دولت در تبعید» باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی رویه بین‌المللی در این زمینه است. در حقوق بین‌الملل معاصر اقسامی از دعوت دولت‌های خارجی به مداخله توسط دولت در تبعید دیده می‌شود. مواردی نظیر مداخله در کویت پس از اشغال از سوی دولت بعثی عراق^{۵۷}، مداخله در هائیتی^{۵۸}، مداخله در پاناما^{۵۹} و مداخله در شرق اوکراین^{۶۰} در این زمره قرار می‌گیرند. در دو مورد نخست، دعوت از مداخله خارجی توسط دولت‌های در تبعید انجام شده بود؛ لیکن مستند به قطعنامه‌های شورای امنیت گردید.^{۶۱} به دنبال قطعنامه ۶۸۷ مصوب ۱۹۹۰ در مورد کویت و قطعنامه ۹۴۰ مصوب ۱۹۹۴ در مورد هائیتی از دیگر دولت‌ها درخواست شد به منظور پایان‌بخشی به وضعیت‌های غیرقانونی در این دو کشور مداخله صورت گیرد. لذا شماری از کشورها، قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرایی نمودند.

دولت در تبعید به علت وقایع رخ داده در قلمرو تحت حاکمیت خود (اعم از کودتا و شورش و اشغال و ...) عملاً در نگهداشت و برخورداری از عناصر تشکیل‌دهنده یک دولت (حاکمیت، سرزمین و جمعیت) دچار چالش شده و ممکن است فاقد برخی یا تمام عناصر مزبور شده باشد^{۶۲} و به همین دلیل، دعوت به مداخله‌ای که از جانب آن صورت می‌گیرد، نمی‌تواند مصداق دقیق دعوت از مداخله خارجی از سوی «دولت» باشد. لذا عاملی که می‌تواند نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ایفاء نماید، مشروعیت و قانونی بودن دولت در تبعید است. (مانند نمونه کویت) و از سویی دیگر، مداخلات انجام‌گرفته در کویت و هائیتی به روشنی از ترتیبات مقرر در فصل هفتم منشور ملل متحد تأثیر پذیرفته و به آن مستند شده است.^{۶۳}

در مورد مداخله در پاناما و شرق اوکراین قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت برای تأیید آن صادر نشد بلکه جامعه بین‌المللی واکنشی منفی نسبت به این مداخلات نشان داد. در پاناما، دولت ایالات متحده آمریکا پس از مداخله نظامی اعلام نمود که این مداخله بنا به درخواست

۵۷. حسام‌الدین امامی، *بحران خلیج فارس* (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰)، ۲۴۰.

۵۸. رضایی و همکاران، پیشین، ۲۰۵.

۵۹. ماکس هیلر، *حقوق بین‌الملل و مداخله نظامی ایالات متحده در نیمکره غربی*، ترجمه تقی محمدپور فرمی (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳)، ۶۵.

۶۰. فضائلی، پیشین، ۶۲.

۶۱. همان، ۶۲.

۶۲. رضا موسی‌زاده، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی* (تهران: میزان، ۱۳۸۹)، ۳۸.

۶۳. رضایی و همکاران، پیشین، ۲۰۷؛ فضائلی، پیشین، ۶۱.

رئیس‌جمهور برکنار شده این کشور انجام شده است. اما مجمع عمومی ملل متحد در ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ و در قطعنامه ۴۴/۲۴۰ این مداخله را «تقض آشکار حقوق بین‌الملل و مداخله در حاکمیت و تمامیت سرزمینی کشورها» قلمداد نمود.^{۶۴}

روسیه نیز یکی از دلایل مشروعیت مداخله‌اش در شرق اوکراین در ماه‌های نخست بحران کریمه در سال ۲۰۱۴ را ناشی از دعوت به مداخله توسط دولت در تبعید ویکتور یانوکویچ می‌دانست. مجمع عمومی سازمان ملل نیز در پاسخ با صدور قطعنامه ۶۸/۲۶۲ بر «احترام به تمامیت سرزمینی و حاکمیت اوکراین» تأکید نمود.^{۶۵}

«دعوت» باید از سوی رکن صلاحیتدار دولت دعوت‌کننده انجام یافته باشد^{۶۶} زیرا رضایت یک دولت به نادیده انگاشتن فعالیت نظامی دولت‌های خارجی در کشورش در قالب دعوت از مداخله خارجی، باید از سوی رکن صلاحیتدار آن دولت اعلام شده باشد تا مانع از به کارگیری خودسرانه قوای نظامی از سوی دیگر دولت‌ها شود.^{۶۷} در مورد مداخله روسیه در شرق اوکراین یکی از دلایلی که در رد استدلال دولت روسیه مطرح شد، این بود که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی اوکراین، نهاد صالح برای دعوت از مداخله خارجی، پارلمان این کشور است و نه رئیس‌جمهور آن که ادعای تمایل او به روسیه مطرح بود.^{۶۸}

قانون اساسی یمن نیز دربردارندهٔ مقرره صریحی مبنی بر تعیین نهاد صالح برای دعوت از مداخله خارجی نمی‌باشد.^{۶۹} طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی این کشور، «رئیس‌جمهور، فرمانده ارشد قوای مسلح می‌باشد.» طبق اصل ۳۷ قانون اساسی یمن:

«پس از تصویب مجلس شورا، اعلام بسیج نیروها با رئیس‌جمهوری است.» اصل ۳۸ نیز چنین مقرر می‌دارد: «شورای عالی دفاع ملی به ریاست رئیس‌جمهور برای رسیدگی به موضوعات مربوط به دفاع از کشور و حاکمیت قانون تشکیل خواهد گردید.»^{۷۰}

64. "Effects of the Military Intervention by the United States of America in Panama on the Situation in Central America," United Nations, Last Visited May 5, 2017, www.un.org/documents/ga/res/44/a44r240.htm.

65. "Security Council Report", Last Visited May 5, 2017, www.securitycouncilreport.org/atf/cf/...6D27.../a_res_68_262.pdf.

۶۶. عزیزی، پیشین، ۱۸۱؛ یان براونلی، *اصول حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه محمد حبیبی مجنده (قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۶)، ۱۰۲۱-۱۰۲۰.

67. Wippman, op.cit., 440.

68. "U.S. Department of Justice," Constitution of Ukraine, Last Visited May 5, 2017, https://www.justice.gov/sites/default/files/eoir/legacy/2013/11/08/constitution_14.pdf

69. "National Dialogue Conference.yemen" Constitution of Yemen, Last Visited May 5, 2017, www.ndc.ye/constitution_draft.pdf.

70. Ibid.

طبق قانون اساسی یمن رئیس‌جمهوری، یگانه رکن صالح برای اتخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز (نظیر دعوت از مداخله خارجی) نمی‌باشد یا باید ابتکار عمل را به «مجلس شورا» سپرد (اصل ۳۷) یا از «شورای عالی دفاع ملی» برای دعوت از مداخله خارجی مدد گرفت (اصل ۳۸). این در حالی است که هیچ‌یک از این دو رکن رسماً دعوت از مداخله خارجی را تأیید نمودند.^{۷۱}

سرانجام با گذشت بیست روز در بیست و پنج فروردین ۱۳۹۴ شورای امنیت قطعنامه ۲۲۱۶ را در ارتباط با تحولات یمن صادر نمود. قطعنامه‌ای که منشأ مناقشات فراوانی نسبت به رویکرد شورای امنیت در قبال حوادث یمن گردید.^{۷۲}

قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت با ۱۴ رأی مثبت و رأی ممتنع روسیه به تصویب رسید که ضمن تأکید بر خواسته‌ها و پیشنهادات شورای همکاری خلیج فارس که مبتنی بر بازگشت منصور هادی به قدرت و خروج حوثی‌ها از صنعا پایتخت یمن بود، منصور هادی را به عنوان تنها رکن و مرجع قانونی در یمن معرفی نموده و از حوثی‌ها درخواست کرد تا به هرگونه اقدام خشونت‌آمیز علیه منصور هادی و نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی پایان دهند. علاوه بر این، قطعنامه عبدالملک الحوثی، رهبر حوثی‌ها را در لیست تحریم‌های سازمان ملل قرار داده که به معنای ممنوع‌السفر شدن وی و توقیف تمامی دارایی‌هایش است.^{۷۳}

قطعنامه ۲۲۱۶ تحت بند هفتم منشور سازمان ملل تنظیم شده و این بدین معناست که اگر معترضان (حوثی‌ها) به آن تن ندهند با اقدام نظامی از سوی جامعه جهانی مواجه خواهند شد. این قطعنامه اشاره‌ای به ممنوعیت مشارکت حوثی‌ها در حکومت و همچنین خلع سلاح آنان نموده بلکه تا حدودی حوثی‌ها را به رسمیت نیز شناخته است. این رویکرد می‌تواند بیانگر اهمیت نقش‌آفرینی حوثی‌ها (با توجه به اینکه ۳۵ درصد ملت یمن را تشکیل می‌دهند و نیز توانسته‌اند محور نیروهای سیاسی تحول‌خواه از هر طایفه و قومیت و مذهب باشند) در عرصه سیاسی یمن به ویژه در پانزده سال اخیر باشد. در واقع مطرح شدن نام رهبر حوثی‌ها

۷۱. گزارش روزنامه الشرق الاوسط، «الیمن.. عبدربه منصور هادی یسحب استقالته من رئاسة الجمهوریة بعد فراره من الاعتقال المنزلی بصنعا»، الشرق الاوسط، ۲۲ فوریه ۲۰۱۵؛

Last Visited May 5, 2017, <https://arabic.cnn.com/middleeast/2015/02/21/yemens-hadi-flees-capital-plans-withdraw-resignation>, 22 FEBRUARY 2015.

نیز رک: فضالی، پیشین، ۶۴-۶۳

72. "United Nations," Last Visited May 5, 2017, http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2216 (2015).

73. Ibid.

در لیست تحریم‌های سازمان ملل متحد و در عین حال دعوت از وی برای شرکت در گفتگوهای ملی و ساختار سیاسی در همین چارچوب قابل فهم است.^{۷۴}

البته تفاوت محسوسی میان عملکرد شورای امنیت در قضیه یمن و نیز برخورد آن با قضایایی نظیر مداخلات نظامی در پاناما و شرق اوکراین به نظر می‌رسد. در واقع شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران یمن به رویکرد خویش در بحران‌های کویت و هائیتی نزدیک می‌گردد که به نظر قابل مناقشه و انتقاد می‌باشد.^{۷۵} در بحران کویت جامعه بین‌المللی نظاره‌گر اشغال این کشور توسط دولت بعثی عراق بود که در نتیجه آن هیئت حاکمه و مسؤولین کویت ناگزیر از ترک کشور خود گردیده و در ریاض مستقر گردیدند.^{۷۶} شورای امنیت ملل متحد (که عهده‌دار مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است) با بحرانی روبه‌رو گردید که کشوری با وجود دولت قانونی و مشروع توسط دولتی دیگر اشغال می‌شود و صلح و امنیت منطقه بحران خیز خاورمیانه (و حتی جهان) به مخاطره می‌افتد. به همین ترتیب در بحران هائیتی و کودتا علیه رئیس‌جمهور برگزیده توسط نظامیان، شورای امنیت به منظور بازگرداندن دولت منتخب و قانونی هائیتی و توقف روند غیرقانونی و نامشروع برخاسته از کودتا، وارد میدان عمل گردید.

همچنین آنگاه که در مارس ۲۰۱۲ برخی از اعضای نیروهای مسلح مالی علیه دولت آن کشور کودتا و آن را ساقط نمودند، شورای امنیت این عمل را محکوم و اعلام کرد که باید به نقض «حقوق بشر» در آن کشور پایان داده شود و ثبات و امنیت به آن کشور بازگردد.^{۷۷}

شورای امنیت در سال ۲۰۱۳ اجازه مداخله نظامی در آن کشور را صادر کرد (قطعنامه ۲۰۸۵). در ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ فرانسه اقدام به حملات هوایی علیه نیروهای نظامی حاکم بر مالی نمود و شورای امنیت نیز از این اقدام حمایت کرد. وضعیتی که در مالی وجود داشت حکایت از یک مخاصمه داخلی داشت و رویکرد شورای امنیت نیز علاوه بر آنکه ملاحظات حقوق بشری را دربر داشت منجر به بازگشت دولت قانونی و منبعث از اراده ملی گردید.^{۷۸}

74. Ibid.

75. امیرسعید ایروانی، *تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی* (تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام)، بهمن ۱۳۸۵.

76. امامی، پیشین، ۲۲۷.

77. سعید خالوزاده، «سیاست آفریقایی فرانسه و انگیزه‌های این کشور از مداخله نظامی در مالی»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۲۴ بهمن ۱۳۹۱، آخرین بازدید اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۶، <http://peace-ipsc.org>.

78. همان.

در بحران یمن دعوت‌کننده یک رئیس دولت مستعفی بوده که (گذشته از آنکه روند برگزیدن او به این سمت روندی دموکراتیک نبوده) و بدون اطلاع نهادهای ذی‌صلاح کشور (طبق قانون اساسی) چنین تصمیمی را اتخاذ نموده و از سوی دیگر نه این کشور، نظیر بحران کویت، مورد اشغال نظامی واقع شد و نه نظیر بحران هائیتی کودتایی در آن به وقوع پیوست. لذا صحه‌گذاری شورای امنیت بر مداخله نظامی در یمن پرابهام و پرسش‌برانگیز است. شورا در بحران‌های کویت (نسبت به اشغالگر) و هائیتی (نسبت به کودتاچیان) با به رسمیت نشناختن وضعیت‌های اشغال و کودتا، دولت‌های قانونی این کشورها را تأیید و تقویت کرد. در بحران هائیتی رئیس دولتی که دعوت به مداخله نمود، رئیس‌جمهوری بود که در انتخابات تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد برگزیده شده بود و لذا مشروعیت دموکراتیک او قابل تشکیک و تردید نبود و در مقابل، نیروهای نظامی بودند که با توسل به زور نظامی قدرت را در دست گرفته بودند و فاقد هرگونه مشروعیت داخلی و بین‌المللی بودند. در حالی که منصور هادی در انتخاباتی تحت نظارت سازمان ملل متحد به قدرت نرسید و علاوه بر این، وضعیت مخالفت با وی قابل قیاس با نظامیان کودتاگر در هائیتی نیست. وفق دکترین و رویه‌هایی که بررسی شد، می‌توان اذعان داشت تهاجم نظامی دولت عربستان سعودی و دولت‌های هم‌پیمان آن به یمن فاقد مشروعیت است و به یقین در شمول استثناءهای اصول منع توسل به زور و عدم مداخله در مورد یمن تردیدهای جدی وجود دارد؛ لذا مادام که وجود استثناء به نحو قطعی و مسلم احراز نشود، اصل ممنوعیت به قوت خود باقی است.^{۷۹}

۳- بررسی مشروعیت مداخله نظامی ائتلاف با پیشگامی عربستان سعودی

در یمن

تفکیک مشروعیت و قانونمندی در حقوق بین‌الملل همچنان محل مناقشات فراوانی است.^{۸۰} البته قانونمندی به علت تمرکز روی عناصر و نهادهای قانونی و قواعد حقوقی و معیارهای عینی از ابهام کمتری برخوردار بوده است.^{۸۱} لذا بخش نخست را بدان اختصاص دادیم.

۷۹. فضائلی، پیشین، ۶۴.

۸۰. آرامش شهبازی، پی‌اس‌آی. در آیین حقوق بین‌الملل (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴)، ۶۷.

۸۱. همان، ۶۷.

لیکن سنجش «مشروعیت» به علت آمیختگی با معیارهای ذهنی با چالش‌های جدی‌تری روبه‌رو بوده است. بحث و نظر پیرامون مشروعیت عرصه پرفراز و نشیبی را پشت سر نهاده و اندیشمندان و متفکرانی نظیر توماس فرانک، بدانسکی، کیوهن و ... پیرامون آن شاخص‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی را مطرح نموده‌اند. مفروضات توماس فرانک مبتنی بر شاخص‌هایی نظیر قطعیت و جذابیت و اعتبار و انسجام درونی هنجارها و قواعد حقوقی است که برای سنجش مشروعیت کارایی خواهند داشت و از سویی دیگر به باور بدانسکی عیار سنجش مشروعیت قاعده حقوقی به میزان اقتناع منطقی و قدرت موجود در قاعده باز می‌گردد و این لزوماً حکایت‌گر جذابیت و اقتناع مخاطبان هنجار نیست.^{۸۲}

بحران یمن که روز به روز بر پیچیدگی روند تحولات آن افزوده می‌گردد ناشی از شتاب‌زدگی عربستان سعودی و ائتلاف تحت رهبری آن می‌باشد. عربستان سعودی فارغ از تحولات منطقه (به ویژه از ۲۰۱۱ به این سو و با توجه به شور و اشتیاق موجود در ملت‌های عرب برای رقم زدن سرنوشت خویش و رهایی از نظام‌های استبدادی حاکم بر ممالکشان) و با حمایت از منصور هادی بحران بزرگی را رقم زده که چشم‌انداز روشنی از پایان آن وجود ندارد. ملت یمن نظیر دیگر ملت‌های عرب درصدد هستند نظام و سیستم حکومتی مبتنی بر آراء و انتخاب خویش را بر مصدر امور میهن خود بنشانند. تنش‌ها و ناآرامی‌های پس از سقوط حکومت دیکتاتوری علی عبدالله صالح پیامدی طبیعی است که می‌تواند به دنبال هر انقلاب و تغییر رژیمی رخ دهد؛ کماینکه در مصر و تونس و لیبی نیز نظاره‌گر وقایعی از این دست می‌باشیم. تمایلات و آرمان‌های مردمی و انسانی ملت یمن، یعنی حق تعیین سرنوشت که به عنوان یک اصل دموکراتیک، در تمامی گستره‌های حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی و فرهنگی مطرح گردیده و^{۸۳} در اسناد بین‌المللی و اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد (نظیر اعلامیه‌های ۱۵۱۴، ۱۵۴۱ و ۲۶۲۵) مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این اصل، به صراحت در اعلامیه جهانی وین ۱۹۹۳ بیان شده و به عنوان بخشی از حمایت بین‌المللی از

۸۲. همان، ۶۷ و نیز نک: اعظم امینی، «مشروعیت و انصاف در حقوق بین‌الملل از دیدگاه توماس فرانک»،

مجله حقوقی بین‌المللی ۴۲ (۱۳۸۹)؛ همین‌طور نک:

David Kennedy, "Tom Franck and the Manhattan School," *Journal of International Law and Politics* 35 (2003): 397-435 and see: Thomas Franck, *The Power Legitimacy among Nations* (London: Oxford University Press, 1990), 29.

۸۳. مهناز اخوان خرازیان، «تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد»، *مجله حقوقی* ۳۶ (۱۳۸۶)، ۹۶.

حقوق بشر پنداشته شده به گونه‌ای که آن را به عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر جامعه بین‌المللی قلمداد نموده‌اند.^{۸۴}

اصل حق تعیین سرنوشت مبتنی بر دیدگاه و نظریه حق حاکمیت مردم استوار گردیده است.^{۸۵} بر این اساس، انسان‌ها (در قالب ملت) می‌توانند آزادانه نحوه اداره سیاسی جامعه خود را تعیین نمایند و این حق آنان است که توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه خود را پی‌گیری نمایند.^{۸۶} از این رو تعیین سرنوشت در قالب یک حق گروه انسانی است که خود را برای اداره و تعیین وضعیت حقوقی و سیاسی سرزمین خود، دارای هویت مستقل و مختار می‌دانند.^{۸۷} ملت که در مجموعه‌ای از منافع مشترک هستند، باید بتواند مطالبات خود را در مورد بهترین راه پیشبرد این منافع بیان دارند. بر اساس حق تعیین سرنوشت، هر ملتی حق دارد در مورد سرنوشت خویش تصمیم بگیرد. این بدان معناست که کلیه اصول نظم بین‌المللی، قانون و مشروعیت که اساساً از سایر مبانی نشئت گرفته است با استناد به این اصل توجیه شود.^{۸۸} حق تعیین سرنوشت به ویژه از زمان تدوین میثاقین (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به عنوان حق انسان‌ها برای تعیین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در چارچوب آن زندگی می‌کنند، تعریف شد.^{۸۹}

در واقع «منظور از اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم این است که «همه مردم»، «همواره» حق دارند در آزادی کامل، وضعیت سیاسی داخلی و خارجی خود را بدون مداخله خارجی تعیین کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را دنبال نمایند».^{۹۰} لذا حق تعیین سرنوشت به معنای حق انسان برای انتخاب و تعیین شکل سازمان سیاسی حاکم بر

۸۴ «اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مصوب ۱۹۹۳ (۲۷)»، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - تهران، آخرین بازدید اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۶، <http://www.unic-ir.org/hr/declaration-vienna.htm>.

85. Milena Sterio, *The Right to Self – Determination under International Law* (London: Routledge, 2012), 12.

۸۶ کارگروه حقوق همبستگی، بروشور آشنایی با حقوق همبستگی در موازین بین‌المللی، نسل سوم حقوق بشر، شماره ۱، تهران: کمیسیون حقوق بشر ایران، دی ماه ۱۳۸۸.

۸۷ اخوان خرازیان، پیشین، ۹۹؛ گراهام ایوانز و جفری نونام، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی (تهران: میزان، ۱۳۸۱)، ۷۵۳.

۸۸ اخوان خرازیان، پیشین، ۱۰۲.

۸۹ همان، ۹۸.

۹۰ همان، ۱۰۵.

جامعه می‌باشد که قوام‌بخش روابط اجتماعی میان آحاد یک ملت بوده و از حقوق بنیادی و مسلم ملل و اقوام گوناگون به شمار می‌رود.^{۹۱}

ملت یمن در دوران پس از انقلاب خویش خواهان اصلاح و تغییرات لازم در ساختار حکومتی گردیدند و با برگزاری تحصن‌ها و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز پیام خود را برای جهانیان منتشر نمودند؛ لیکن در شکل‌دهی و سامان‌بخشی نظام جدید موفق نبودند. این عدم موفقیت علل گوناگونی دارد که به شرایط نامناسب حاکم بر فضای طایفه‌ای این کشور برمی‌گردد. انتخاب آقای منصور هادی به سمت ریاست جمهوری حاصل و پیامد یک انتخابات مردم‌سالار و دموکراتیک نبود؛ بلکه برای برون‌رفت از بحران پس از کناره‌گیری دیکتاتور سابق و مناسبات طایفه‌ای حاکم بر این کشور و از سوی دیگر حساسیت و دخالت‌های عربستان سعودی در این سرزمین احزاب و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، به‌گزینش منصور هادی منجر شد. بر اساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی یمن تعداد کاندیداهای ریاست جمهوری در هر انتخابات نباید از دو نفر کمتر باشد، این در حالی است که انتخابات برگزار شده که منجر به ریاست جمهوری منصور هادی گردید، صرفاً با کاندیداتوری خود او، تحقق یافت.^{۹۲} گزینشی که با رویه منصور هادی (ناتوانی در اداره دولت و استعفاء و گریز به ریاض) دستاویزی برای مداخله دولت خارجی گردید و فرصت تاریخی یمنیان را برای ایجاد و استمرار حکومتی ملی از ایشان سلب نمود.

نقض حق تعیین سرنوشت از طریق توسل به زور، نقض غیرمستقیم یک قاعده آمره بین‌المللی است.^{۹۳} حمله نظامی ائتلاف شکل‌گرفته به رهبری عربستان سعودی ناقض «حق تعیین سرنوشت» ملت یمن و همان‌گونه که اشاره رفت تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است.

دولت‌های ثالث، می‌بایست از ارسال تسلیحات نظامی به منظور کمک به دولت‌هایی که اصل تعیین سرنوشت را نادیده می‌گیرند اجتناب ورزند. دولت‌های ثالث، از منظر حقوقی، این حق را ندارند تا از افرادی که در جهت تعیین سرنوشت مبارزه می‌کنند حمایت نمایند و

91. Anne Bayefsky, *Self-Determination in International Law* (The Hague: Kluwer Law International, 2000), 1-3.

92. "National Dialogue Conference.Yemen" Constitution of Yemen, Last Visited May 5, 2017, www.ndc.ye/constitution_draft.pdf.

۹۳. دیوان در قضیه تیمور شرقی رعایت اصل احترام به حق تعیین سرنوشت را یک حق عام‌الشمول می‌داند و تأکید می‌کند که این حق یکی از اصول ضروری و اساسی حقوق بین‌الملل معاصر می‌باشد. نک:

David Raic, *Statehood and the Law of Self-Determination* (The Hague: Kluwer law International, 2002), Vol. 43, 145.

می‌توانند این عمل را از طریق هرگونه مساعدت غیر از ارسال تسلیحات نظامی انجام دهند. طرف‌های ثالث می‌توانند از دولت‌هایی که این حق را نادیده می‌گیرند بخواهند به این اصل احترام بگذارند و آن را رعایت کنند.^{۹۴} در صورتی که اصل تعیین سرنوشت با توسل به زور سرکوب شود، دولت‌های ثالث حق دارند موضوع را نزد شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح نمایند و خواستار توسل به اقدامات متقابل صلح‌آمیز شوند، به ویژه اگر این حق، به صورت غیرقانونی سرکوب شده باشد.^{۹۵} روشن است که دولت‌های هم‌پیمان عربستان سعودی چگونه با حمایت از رئیس دولت مستعفی زمینه‌ساز نقض حق بنیادی تعیین سرنوشت ملت یمن گردیده‌اند و همه اینها در حالی است که متأسفانه شورای امنیت ملل متحد نیز این روند نامشروع و برخلاف قواعد بین‌المللی را محکوم نمی‌نماید.

بند ۱ ماده ۵۳ منشور ملل متحد مبین آن است که کشورها ملزم هستند که برای انجام هرگونه عملیاتی علیه یکدیگر، نخست از شورای امنیت کسب مجوز نمایند. اقدامی که قبل از آغاز مداخله عربستان سعودی صورت نگرفته و این امر در مخالفت آشکار با منشور ملل متحد است. همچنین نقض اسناد تأسیس سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب نیز قابل اشاره است. کشورهای اسلامی باید اختلافات متقابل خود را در چارچوب سازمان همکاری اسلامی حل نمایند. در مورد کشورهای عربی در اتحادیه عرب نیز به همین رویه اعمال می‌گردد. لیکن برخلاف رویه و مقررات این دو سازمان، عربستان سعودی قبل از انجام حمله علیه یمن، با هیچ‌یک از این دو سازمان مشورت ننمود.

در راستای تبیین روند مشروعیت مخاصمه یمن، بررسی ابعاد حقوق بشردوستانه این بحران اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. حملات سنگین نظامی و بمباران‌های مناطق مسکونی و غیرنظامی مردم یمن توسط ائتلاف مذکور تلفات جانی برای غیرنظامیان و به ویژه زنان، کودکان و سالخوردگان را به دنبال داشته است.^{۹۶} افزون بر این، تخریب زیرساخت‌های شهری مانند آب و برق و بیمارستان‌های یمن از جمله اهداف ائتلاف مورد نظر با پیشگامی عربستان سعودی بوده است.^{۹۷} این آسیب‌ها و تعرضات با اعلامیه شانزدهم سپتامبر ۱۹۲۴

۹۴. دیتر فلک، پیشین، ۶۴۶.

۹۵. آنتونیو کاسسه، حقوق بین‌الملل، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶)، ۲۰۳.

96. Louisa Loveluck, "Yemen 'Already Looks Like Syria after Five Years of War,'" *telegraph.co.uk*. Retrieved, August 19, 2015.

97. Doctors without Borders "Yemen: MSF and ICRC Alarmed by Attacks on Country's Infrastructure and Humanitarian Lifelines," *Médecins Sans Frontières (MSF)*. May 4, 2015, last visited May 5, 2017, <https://www.doctorswithoutborders.ca/article/yemen-msf-and-icrc-alarmed-attacks-countrys-infrastructure-and-humanitarian-lifelines>

جامعه ملل، در حمایت از کودکان که تحت عنوان «اعلامیه ژنو» تصویب شده و نیز اعلامیه حقوق کودک مصوب بیستم نوامبر ۱۹۵۹ و همچنین اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چهاردهم دسامبر ۱۹۷۴، مربوط به حمایت از زنان و کودکان در مواقع بحرانی و مخاصمات مسلحانه و ماده ۷۷ پروتکل نخست الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ در خصوص احترام نسبت به کودکان در برابر هر شکل از حمله «غیرمحرمانه» در تضاد است. همچنین در قطعنامه‌های ۲۴۴۴ نوزدهم دسامبر ۱۹۶۸، ۲۵۹۷ شانزدهم دسامبر ۱۹۶۹، ۲۶۷۴ و ۲۶۷۵ نهم دسامبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد در خصوص حمایت از حقوق بشر و اصول بنیادین راجع به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه نیز این رویکرد مورد اشاره قرار گرفته است.^{۹۸}

عدم رعایت حقوق جنگ از جمله اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان (مانند حمله به بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و ورزشگاه‌ها)، اصل ممانعت از ایجاد درد و رنج غیرضروری (خشونت و استفاده از سلاح‌های ممنوع) و بسیاری موارد دیگر، بدون تردید ناقض قواعد حقوق بشردوستانه و به ویژه مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و ۲۰۰۵ ژنو است.

موارد فوق بیانگر اهمیت اتخاذ موضع مناسب از سوی شورای امنیت ملل متحد که وظیفه حفظ و حراست از صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد، نشان می‌دهد. پیشتر اشاره شد که شورای امنیت در قبال بحران شرق اوکراین مداخله دولت خارجی در این مورد را برتافت و مخالفت اصولی و قاطع خود را اعلام نمود. لیکن در مورد بحران یمن شورای امنیت از صلاحیت خود طبق ماده ۳۹ منشور ملل متحد بهره ننجسته و حتی با صدور قطعنامه ۲۲۱۶ به نحو تأسفباری از روند موجود حمایت نمود.

در بخش نخست از مخالفت قطعنامه انجمن حقوق بین‌الملل در مورد مداخله خارجی در مخاصمه داخلی بحث شد و گفته شد که علی‌رغم این دیدگاه مخالف (که لازم‌الاتباع نیز نبوده و اعتباری دکتربینال دارد)، رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه عملی دولت‌ها با وجود دعوت دولت قانونی مداخله دولت خارجی امکان‌پذیر و بلامانع می‌باشد. البته انجمن حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۹ (در اجلاس برلین) مجدداً به گونه‌ای غیرمستقیم به اصل منع مداخله اشاره نمود و قطعنامه خود به سال ۱۹۷۵ را تأیید نمود. از جمله دلایل این مخالفت

نیز این است که عموماً اعطای مجوز دخالت به دولت خارجی توسط دولت مستقر و حاکم با ماهیت امره برخی قواعد حقوق بین‌الملل همچون «حق تعیین سرنوشت» و «منع مداخله» و «عدم توسل به زور» مغایرت دارد. زیرا این مداخلات به علت آنکه غالباً هدفی به منظور حفظ حکومت موجود دارد که مردم با آن مخالفند برخلاف «اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود» می‌باشد.^{۹۹} هرچند، چنین رویکردی، رویکردی سنتی به نظر می‌رسد، لیکن دغدغه‌ای که انجمن حقوق بین‌الملل در مورد امکان لوث شدن حق تعیین سرنوشت در این میان دارد در بحران یمن به وضوح به منصفه ظهور رسیده است. از همین روست که به نظر می‌رسد لازم است شورای امنیت، از اعمال ملاحظات سیاسی که می‌تواند مانعی جدی در دستیابی به اهداف عالی‌ای همچون صلح و امنیت بین‌المللی - که قویاً متأثر از مفاهیمی همچون مداخله، تعیین سرنوشت و امثالهم باشد، اجتناب نماید. خصلت سیاسی این رکن سبب گردیده است که در بسیاری از هنگامه‌ها که جهانیان در انتظار برخورد به موقع و قاطع آن با موارد نقض حقوق بین‌الملل بوده‌اند، سکوت و چشم‌پوشی این شورا مانع از پی‌گیری و پیشگیری از وقوع تخلفات بین‌المللی گردیده است. وجود منافع مغایر در برخی موقعیت‌ها در بین اعضای شورای امنیت و گره خوردن آن با سیاست‌های خارجی اعضاء سبب بروز انتقادات بسیار از کارکرد این نهاد گردیده است.^{۱۰۰}

چنین به نظر می‌رسد که قطعنامه ۲۲۱۶ از شائبه فقدان شرایط و اسلوب از پیش پذیرفته‌شده در زمینه مشروعیت مداخله در حقوق بین‌الملل تهی نمی‌باشد و حتی شاید بتوان مدعی شد که شورا به رویه سابق خویش نیز بی‌اعتبار بوده است. تأیید مداخله نظامی در یمن نه تنها به صلح و امنیت منطقه کمک نکرده است، بلکه زمینه رشد و گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی القاعده و داعش را در خاورمیانه و جهان گسترش داده است. در این میان، نقض گسترده حقوق بشردوستانه و عدم تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی و همچنین نقض اصل ضرورت نظامی توسط نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، از واقعیاتی است که شائبه عدم عنایت کافی شورای امنیت، در آن وجود دارد.

۹۹. صفایی، پیشین، ۹۷.

۱۰۰. محمد شریف، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳)،

نتیجه

اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی سایر دولت‌ها که نتیجه مسلم اصل برابری دولت‌هاست، از اصول مسلم و شناخته‌شده حقوق بین‌الملل است که نه‌تنها در منشور ملل متحد، بلکه در روابط بین‌المللی میان دولت‌ها و حتی در اساسنامه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است.^{۱۰۱} با این حال، مشروعیت‌سنجی مداخله در موارد متعددی تابعی از واقعیات هر قضیه بوده و لاجرم حدود و ثغور مداخله و سنجش میزان مشروعیت آن همواره در رویه مراجع بین‌المللی و در عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی محل مناقشه بوده است.

بحران یمن که با آغاز مداخله نظامی ائتلافی از دولت‌ها به پیشگامی عربستان سعودی وارد روندی پیچیده و پرابهام از حیات پنج‌ساله خود گردیده یکی از خطرناک‌ترین چالش‌هایی است که منطقه خاورمیانه و به تبع آن جامعه بین‌المللی را وارد مسیری ناهموار نموده و آینده‌ای مبهم و مملو از بیم و امید را در مقابل دیدگان ناظران بین‌المللی قرار داده است. تجربه تلخی که یمن از نیمه نخست سال ۲۰۱۵ پشت سر گذاشته، شیرینی پیروزی انقلابی دشوار و پرهزینه علیه نظام استبدادی علی عبدالله صالح را بی‌محتوا کرده است. عبدربه منصور هادی که نه در نتیجه انتخاباتی دموکراتیک و تحت نظارت سازمان ملل متحد بلکه در اثر توافق ضعیف طوایف و اقوام یمنی برای تسریع در خاتمه بخشیدن به آلام و دردهای ملتی زجرکشیده بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زد بسیار زود هنگام نشان داد که اداره کشور از عهده شخصی چون او خارج است و با وجود استعفاء در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی و با استقرار در عربستان سعودی از این دولت و «امت عربی» برای پیکار با «کودتاجیان» دعوت به مداخله نظامی در یمن نمود. دعوت به مداخله نظامی دولت خارجی توسط دولت قانونی و حاکم، مستلزم تحقق پیش‌شرط‌ها و قیود مشخصی در حقوق بین‌الملل معاصر می‌باشد که به نظر می‌رسد با دعوت منصور هادی به مداخله محقق نمی‌شود. هرچند انتظار می‌رفت شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تصمیمی درخور و شایسته اتخاذ نماید لیکن ملاحظات سیاسی شورا را به صدور قطعنامه ۲۲۱۶ قانع ساخت که موجی از حیرت و ناباوری را در میان ناظران بین‌المللی و حقوقدانان برانگیخت. النهایه چنین به نظر

۱۰۱. جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، «مداخله آمریکا در امور ایران و اقامه دعوی ایران در دیوان داوری ایران و آمریکا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۳۷ (۱۳۷۶)، ۵۷.

می‌رسد که مداخله نظامی ائتلافی از دولت‌ها به رهبری عربستان سعودی در یمن نمی‌تواند در زمره استثنائات اصول منع توسل به زور و منع مداخله واقع شود و نه تنها به امنیت خاورمیانه کمکی ننموده بلکه سبب گسترش تروریسم القاعده و داعش نیز شده است. اتخاذ مواضع ناهمگون و گاه دوگانه از سوی شورای امنیت ملل متحد که خود متأثر از انعطاف قابل ملاحظه مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، بر عدم قطعیت در تحلیل مفهوم مداخله در حقوق بین‌الملل معاصر دامن زده و هرچند در بحران یمن، این مداخله نامشروع می‌نماید، دلیلی بر تسری عدم مشروعیت بر سایر موارد مداخله نخواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اخوان خرازیان، مهناز. «تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد». *مجله حقوقی* ۳۶ (بهار و تابستان ۱۳۸۶): ۹۵-۱۴۲.
- امامی، حسام‌الدین. *بحران خلیج فارس*. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰.
- امینی، اعظم. «مشروعیت و انصاف در حقوق بین‌الملل از دیدگاه توماس فرانک». *مجله حقوقی* ۴۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۲۰۶-۱۹۱.
- ایروانی، امیرسعید. «تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی». *معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام* (۱۳۸۵)، اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۶، برگرفته از پایگاه <http://www.isrjournals.com/fa/political-economy-farsi/article/408-essay-farsi-old-69.html>.
- ایوانز، گراهام و جفری نونام. *فرهنگ روابط بین‌الملل*. ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
- براونلی، یان. *اصول حقوق بین‌الملل عمومی*. ترجمه محمد حبیبی مجنده. قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۶.
- التیامی‌نیا، رضا، علی باقری دولت‌آبادی و جاسب نیکفر. «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست* ۱۸ (۱۳۹۵): ۱۶۸-۱۷۱.
- جعفریان، رسول. *اطلس شیعه*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹.
- خالوزاده، سعید. «سیاست آفریقایی فرانسه و انگیزه‌های این کشور از مداخله نظامی در مالی». مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۲۴ بهمن ۱۳۹۱، آخرین بازدید اردیبهشت - خرداد ۱۳۹۶، <http://peace-ipsoc.org/fa/%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%A2%D9%81%D8%B1%DB%8C%D9%82%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D9%86%D8%B3%D9%87-%D9%88-%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B2%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D9%86/>
- رضایی، محمدتقی، علی ایلخانی پور، سهیلا کوشا و علی غلامعلی پور. «مبانی حقوقی مداخله در کشور سوریه در چهارچوب دکترین‌های نو نظریه مسؤولیت حمایت». *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی* ۱۵ (بهار ۱۳۹۴): ۲۲۴-۱۹۷.
- شریف محمد. *بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
- شفیعی، محمد. «بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشردوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل». *مجله حقوقی* ۲۰ (بهار ۱۳۷۵): ۴۸۱-۳۹۷.
- شهبازی، آرامش. *پی‌اس‌آی*. در *آیین حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.

- صفایی، سید حسین. «مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل». مجله حقوقی ۹ (۱۳۶۷): ۴۱-۵.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. حقوق جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، سید قاسم زمانی، محمد حبیبی مجنده، نادر ساعد، محسن عبداللهی، هیبت‌الله نژندی‌منش، ایوب عبدی، امیرساعتد وکیل، علی فاتح و امیر ضیاء‌الدینی. *آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۲.
- عزیزی، ستار. «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو». *پژوهش حقوق عمومی* ۳۳ (تابستان ۱۳۹۰): ۱۹۶-۱۶۵.
- عسگری، یدالله. *مسئولیت حمایت*. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶.
- فضائی، مصطفی. «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۱ (۱۳۹۵): ۷۰-۴۱.
- فلک، دیتر. *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*. با اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۵.
- کارگروه حقوق همبستگی. «بروشور آشنایی با حقوق همبستگی در موازین بین‌المللی، نسل سوم حقوق بشر». شماره ۱. تهران: کمیسیون حقوق بشر ایران، دی ماه ۱۳۸۸.
- کاسسه، آتونوبو. *حقوق بین‌الملل*. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
- کک دین، نگوین. *حقوق بین‌الملل عمومی*. ترجمه حسن حبیبی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱.
- ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان. «مداخله آمریکا در امور ایران و اقامه دعوای ایران در دیوان داورای ایران و آمریکا». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۳۷ (۱۳۷۶): ۶۴-۴۹.
- ممتاز، جمشید و حسین رنجبریان. *حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی*. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- ممتاز، جمشید و مرتضی نجفی اسفاد. «بررسی بحران کوزوو و حقوق بین‌الملل». *دیدگاه‌های حقوقی* ۱۷ و ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۷۹): ۱۵۶-۱۳۱.
- موسی‌زاده، رضا. *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- مهرپور، حسین. *نظام بین‌المللی حقوق بشر*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.
- هیلر، ماکس. *حقوق بین‌الملل و مداخله نظامی ایالات متحده در نیمکره غربی*. ترجمه تقی محمدپور فرمی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

ب) منابع عربی

- غبشی، بوعلام. «من هم الحوثیون وما هی مطالبهم». *الشرق الاوسط*، ۲ سپتامبر ۲۰۱۴.
- گزارش الشرق الاوسط، «عاصفة الحزم، القصف علی صنعاء». *الشرق الاوسط*، ۲۷ مارس ۲۰۱۵.
- گزارش بی‌بی‌سی عربی، «جمال بن عمر مبعوث الأمم المتحدة یلوح باحتمال معاقبة معرقلی الحوار الوطنی فی الیمن». *بی‌بی‌سی العربیه*، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۳.

گزارش سی.ان.ان.عربی. الیمن. «عبدربه منصور هادی یسحب استقالته من رئاسة الجمهورية بعد فراره من الاعتقال المنزلی بصنعا». *الشرق الاوسط*، ۲۲ فوریه ۲۰۱۵.

ج) منابع انگلیسی

- “Ansar-allah.” Last Visited May 5, 2017. <http://www.ansar-allah.net>.
- “Organisation of Islamic Cooperation.” Last Visited May 5, 2017. <http://www.oic-oci.org>.
- “Security Council Report.” Last Visited May 5, 2017. <http://www.securitycouncilreport.org>.
- “United Nations.” Last Visited May 5, 2017. <http://www.un.org>.
- Abdallah, Khaled, and Sami Aboudi. “Yemeni Leader Hadi Leaves Country as Saudi Arabia Keeps up Air Strikes”. *Reuters*, March 26, 2015.
- Bayefsky, Anne. *Self-Determination in International Law*. The Hague: Kluwer Law International, 2000.
- Browning, Noah. “Yemen Houthi Forces Gain First Foothold on Arabian Sea – Residents”. *Reuters*, March 26, 2015.
- Brownlie, Ian. *International Law and the Use of Force by States*. London: Clarendon Press, 1981.
- Cullen, Anthony. *The Concept of Non-International Armed Conflict in International Humanitarian Law*. London: University of Cambridge, 2010.
- Franck, Thomas. *The Power Legitimacy among Nations*. London: Oxford University Press, 1990.
- Ghobari, Mohammed, Khaled Abdullah. “Yemenis Square off in Rival 'Day of Rage' Protests.” *The New York Times*, February 3, 2011.
- Gray, Christine. *International Law and Use of Force*. Third Ed. London: Oxford University Press, 2007.
- Institute of International Law. “The Draft Report of the 10th Commission, Present Problems of the Use of Force in International Law.” Last Visited May 5, 2017. <http://www.justitiaetpace.org/idiF/annuaireF/2007/Reisman.pdf>.
- Interfax.com.ua “Russia Illegally Increased the Number of Its Troops in Ukraine up to 16 Thousand – Acting Defense Minister”. *Interfax-Ukraine*, March 3, 2014. Last visited May 5, 2017, <https://interfax.com.ua/news/general/194157.html>.
- International Committee of the Red Cross. “Treaties, States Parties and Commentaries.” Last Visited May 5, 2017. <http://www.icrc.org/ihl.nsf/com>.
- Kennedy, David. “Tom Franck and the Manhattan School.” *Journal International Law and Politics* 35 (2003): 397-435.
- Loveluck, Louisa. “Yemen 'Already Looks like Syria after Five Years of War.’” *Telegraph.co.uk*. Retrieved, August 19, 2015.
- Peterson, Scott. “Egypt's Revolution Redefines What's Possible in the Arab World”. *The Daily Telegraph*, June 12, 2011.
- Raic, David. *Statehood and the Law of Self-Determination*. Vol. 43. The Hague: Kluwer Law International, 2002.
- Schindler, D. *The Different Types of Armed Conflicts according to the Geneva Conventions and Protocols*. Vol. 163. Boston: RCADI, 1979.
- Simma, Bruno. *The Charter of the UN: A Commentary*. London: Oxford University Press, 1995.
- Sivakumaran, Sandesh. *The Law of Non-International Armed Conflict*. London: Oxford University Press, 2012.
- Sterio, Milena. *The Right to Self – Determination under International Law*. London: Routledge, 2012.
- The Washington Post. “Yemen Death Toll: Over 2000 Killed In Uprising.” *Huffington Post*, November 18, 2013.

The Washington Post. "Yemeni Government Supporters Attack Protesters, Injuring Hundreds." *The Washington Post*. March 16, 2011.

Wallace, Rebecca M.M. *International Law*. London: Sweet & Maxwell, 2005.

Weller, Marc. *The Oxford Handbook of the Use of Force in International Law*. London: Oxford University Press, 2015.

Wippman, David. *Pro-Democratic Intervention by Invitation*. London: Cambridge University Press, 2000.

Woodward, Bob. *Veil: The Secret Wars of the CIA 1981-1987*. London: Buccaneer Books, 1994.

ABSTRACTS

Investigation of Legitimacy of Foreign State Intervention in Non-International Armed Conflict: Deliberating about Yemen Crisis

Dr. Aramesh Shahbazi

Assistant Professor of International Law, Faculty of Law and Political Sciences of
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Email: a.shahbazi@atu.ac.ir

&

Pouya Berelian

M.A of International Law, Faculty of Law and Political Sciences of
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Email: Pouya_1818@yahoo.com

The non-interventionism principle for non-interfering in internal and external affairs of states, being the given result of equality between governments, is one of the known, incontestable principles in international law and it not only enjoys a high position in united nation charter but also in international relationships of states. It's position in international relationship is so significant that in several cases, it set the stage for transforming the current situation into an active controversy; thus, the regulators of the charter of United Nations tried to inhibit states from interfering in other state's affairs through significant experiences of World War I and II as well as through relying on the principle of “banning the use of force by states”. However, the present tendency of states in international scene affirms the fact that the non-interventionism sometimes is subject to the interests of international governments, and the interests and expediencies of states affect the validity and legitimacy of this principle. This article analyzes the non-interventionism in the recent international procedure and the intervention of Saudi Arabia in Yemen and the assessment of the legitimacy of its intervention.

Keywords: Non-Interventionism, Non-International Armed Conflict, Saudi Arabia, Yemen, International Coalition.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 2

2018-2

- **Investigation of Legitimacy of Foreign State Intervention in Non-International Armed Conflict: Deliberating about Yemen Crisis**
Dr. Aramesh Shahbazi - Pouya Berelian
- **Analyzing the Legal Dimensions of Transgenic Biotechnology on the base of Food Security**
Dr. Najmeh Razmkhah - Dr. Bahareh Heydari
- **Feature Assignment in Electronic Evidence**
Dr. Iraj Behzadi
- **Information Warfare in Terms of the Principle of Distinction between Combatants and Civilians in the Armed Conflicts**
Keivan Eghbali
- **Abuse of Immunities and Privileges of International Organizations; Looking for a Solution**
S. Ali Hosseiniyazad - Masoud Ahsannejad
- **Explanation of Tools of Establishment of Inventive Step Requirement in Inventions (Prior art, Person Having Ordinary Skill in the Art)**
Hamed Najafi - Mahsa Madani
- **National Interests from the Perspective of International Law and International Relations Theories**
Heidar Piri - Parisa Dehghani
- **The Territorial Jurisdiction of Iranian Courts toward Cyber Crimes**
Najmeh Ghaffari Elahi Kashani
- **The First Judgment of the ICC: The Applicable Law in Armed Conflicts between a State and Non-Governmental Groups**
Samaneh Shabani
- **An Overview on the Concept of Consultation in the Bill of Commercial Procedure**
Dr. Kouros Kaviani - Parviz Rahmati - Reza Khodkar
- **COUNCIL REGULATION (EU) No 1259/2010 of 20 December 2010 Implementing Enhanced Cooperation in the Area of the Law Applicable to Divorce and Legal Separation**
Translators: Dr. Mehdi Amini - Dr. Hossein Kaviar



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study